



حمایت از کودکان آسیب‌دیده

وزیر دادگستری گفت: «مجمع‌های شوق زندگی برای حمایت از کودکان در معرض آسیب و کودکان آسیب‌دیده و حتی زنان آسیب‌دیده و زنان در معرض آسیب راه‌اندازی شده است.» امین حسین رحیمی در توضیح بیشتر به این‌ها گفت: «تمام دستگاه‌هایی که مرتبط با کودکان و آسیب‌دیدگان اجتماعی در این حوزه هستند که شامل زنان و کودکان است در این مجمع‌ها حضور فیزیکی دارند. مجمع شوق زندگی یک مرکزی است که در آن نمایندگان همه دستگاه‌های مرتبط با موضوع آسیب‌های اجتماعی از جمله نماینده پزشکی قانونی، مددکار اجتماعی، نمایندگان نهادهای مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد، نماینده دادگستری و دادستانی نیز در آن حضور دارند.» او ادامه داد: «این دستگاه‌ها در این مجمع با همکاری یکدیگر کمک می‌کنند تا افراد زده‌دیده و کودکان در معرض آسیب، کودکان بدسرپرست یا بی‌سرپرست مورد حمایت‌های لازم قرار بگیرند.» براساس اعلام او، هم‌اکنون این مجمع‌ها در چندین استان تشکیل شده است اما راه‌اندازی این مجمع‌ها در سراسر کشور از برنامه‌هایی است که در دستور کار ما قرار داشته و اجرایی می‌شود.



غربالگری ۳ سرطان شایع

معاون بهداشت وزارت بهداشت، درباره غربالگری سرطان‌های شایع توضیحاتی ارائه کرد. حسین فرشییدی به این‌ها گفت: «غربالگری سرطان‌های شایع برای جمعیت بالای ۴۰ سال در قالب نظام شبکه کشور، در حال انجام است. او ادامه داد: «البته احتمالاً در سال آینده در صورت لزوم نیز پویش غربالگری سرطان‌های شایع را مانند آنچه در پویش غربالگری فشار خون بالا انجام دادیم، راه‌اندازی خواهیم کرد، اما در حال حاضر چنین برنامه‌ای در دستور کار نداریم.» براساس اعلام او، در حال حاضر به‌صورت روتین غربالگری سرطان سینه، سرطان کولورکتال یا سرطان روده و سرطان سرویکس یا سرطان دهانه رحم در نظام شبکه کشور در حال انجام است.



در مظان اتهام

«هم‌میهن» در گفت‌وگو با تعدادی از وکلا و حقوقدانان محدودسازی فعالیت وکلا و مخدوش شدن استقلال نهاد وکالت را بررسی کرد



شادی مکی
خبرنگار گروه جامعه

معلق شوند. در حال حاضر تعدادی از این وکلاد در تهران و سایر نقاط کشور یا در زندان هستند یا در آستانه حبس قرار دارند.»

«اتهام اینجانب و گروهی از وکلا مصاحبه با رسانه‌های خارجی است. در حالی که در مصاحبه‌های ما هیچ مطلبی علیه ارکان نظام یا حمایت از گروه‌های معاند گفته نشده است. از طرف دیگر مصاحبه با رسانه‌های خارجی در قوانین کشور جرم‌انگاری نشده است.» نیکبخت با اشاره به این موضوع ادامه می‌دهد: «همچنین اظهارات حقوقی وکیل، برای دفاع از موکل خود در مصاحبه با رسانه‌های داخلی و خارجی نیز جرم نیست. در پرونده‌های تشکیل شده علیه من و همکارانم به ما گفته شد، اصلاً ششما نباید مصاحبه کنید. این موضوع نشان می‌دهد که اساساً نسبت به وکلا و فعالیت‌های آنها حساسیت ویژه‌ای وجود دارد.» براساس اعلام او، استقلال نهاد وکالت مستلزم استقلال وکیل در دفاع است. مثلاً برخی وکلا را به دلیل افشای مسائل مربوط به پرونده تحت وکالت خود محاکمه کرده‌اند. محکوم کردن وکلا به چنین دلایلی آن‌هم بعد از محاکمه و از بین رفتن جنبه محرمانه آن، محمل قانونی ندارد. یکی دیگر از موضوعاتی که دستگاه قضایی نسبت به آن حساسیت دارد، این است که چرا وکلا از متهمان سیاسی، فعالان مدنی و روزنامه‌نگاران حق‌الوکاله دریافت نمی‌کنند. این در حالی است که وکلا شخصاً در این زمینه ترتیبات قانونی و پرداخت مالیات طبق قانون را رعایت و تنها از حق خود عدول می‌کنند. به‌ر حال این رویکردها تاکنون تنها باعث بازآرندگی وکلا از پذیرش پرونده‌های سیاسی نشده، بلکه امروز وکلا از چنین پرونده‌هایی استقبال می‌کنند و تعداد این وکلا نسبت به دوره اصلاحات چندین برابر شده است.

رصد مستمر وکلای حقوق بشری

ابوذر نصراللهی، از وکلای در معرض خطری است که پرونده اتهامی علیه او در دادگاه انقلاب در حال بررسی است. او درباره وکلای در معرض خطر به هم‌میهن می‌گوید: «وکلا در جهان معمولاً با دو دسته خطر مواجه‌اند؛ یکی خطری که ممکن است در مواجهه با ساختار حاکم باشند که در ایران این بخش ملموس‌تر است و دسته دیگر مربوط به خطرهایی است که از ناحیه اصحاب دعوی به‌ویژه در پرونده‌های اقتصادی خاص یا در پرونده‌های جنایی متوجه وکلا می‌شود، مانند مواردی که قاتل مورد مجازات قرار می‌گیرد و اطرافیان او وکیل مقتول را مورد تهدید قرار می‌دهند.» به گفته او، در کشور‌های در حال توسعه به دو علت ممکن است وکیل مورد تهدید ساختار سیاسی حاکم قرار بگیرد؛ یکی وقتی وکیل، دفاع از پرونده افرادی را بر عهده می‌گیرد که با ساختار سیاسی حاکم دچار چالش‌هایی هستند- معمولاً در ایران این گروه از وکلا به وکلای حقوق بشری معروف هستند- اثبات‌شده که این افراد به‌طور مستمر تحت رصد هستند، به نحای مختلف احضار و بازجویی می‌شوند. حتی وقتی این وکلا خبرهایی را درباره پرونده‌های تحت وکالت خود منتشر می‌کنند به‌عنوان نشر اکاذیب و مسائل مختلف، تعقیب می‌شوند.» این حقوقدان با تأکید بر این موضوع ادامه می‌دهد: «گاهی وکیل به‌دلیل اظهارنظرهایش درباره مسائل وقوع یافته در کشور تحت تعقیب و محاکمه قرار می‌گیرد. ما معتقدیم، وکیل علاوه بر وظیفه

چندسالی است استقلال نهاد وکالت در سایه فشارها و مداخله‌های دستگاه قضایی و نهادهای امنیتی، مخدوش شده؛ موضوعی غیرقابل انکار که وکلای دادگستری بر آن تأکید می‌کنند. استقلال نهاد وکالت از آن جهت حائز اهمیت است که ارتباطی مستقیم و معنادار با حقوق دفاعی شهروندان در محاکم دارد. باین حال به گفته حقوقدانان، عده‌ای استقلال و عملکرد غیروابسته این نهاد و وکلار در دفاع از متهمان سیاسی و امنیتی برنمی‌تابند؛ معضلی که در زمان بحران‌های سیاسی، به‌ویژه از اعتراضات سال گذشته تاکنون پررنگ تر شده است. به گفته حقوقدانان از اعتراضات سال گذشته تاکنون بیش از ۵۰ نفر از وکلای کشور دقیقاً به دلیل برعهده گرفتن وکالت معترضان و فعالان سیاسی احضار شده و برای شان پرونده‌هایی در محاکم انقلاب تشکیل شده است، بعضی از آنها نیز در یک سال اخیر با مجازات حبس مواجه شده‌اند. ازسوی دیگر وکلای مستقل براساس قوانینی جدیدالتاسیس در مرحله تحقیقات مقدماتی پرونده‌های امنیتی حق حضور ندارند و این اجازه تنها به وکلایی خاص موسوم به وکلای تبصره ۴۸ داده شده است. در یک رویکرد غیرقانونی و فراقانونی، برخی از شعب خاص دادگاه‌های انقلاب اجازه ورود به وکلار حتی در مرحله دادگاه نیز نمی‌دهند و قضات این شعب، از اعلام وکالت و پذیرش وکلای مستقل و غیروابسته به ساختار سیاسی، برای دفاع از متهمان سیاسی و امنیتی خودداری می‌کنند. موارد تحدید حقوق وکیل و موکل و تهدید وکلای مستقل و حقوق بشری پر شمار است اما آنچه مشخص است اینکه، تهدیدها و تحدیدها به استقلال کانون‌های وکلا و حتی اتحادیه این کانون‌ها یعنی اسکودا نیز خدشه وارد کرده است، به شکلی که مدتی پیش انتخابات اعضای هیئت مدیره اسکودا و پیش‌تر از آن انتخابات هیئت مدیره کانون وکلای مرکز، به دلیل فشارها و مداخله قوه قضائیه و به نمایندگی از آن دادگاه عالی انتظامی قضات به چالش کشیده شد. حالا به بهانه روز وکیل با تعدادی از وکلا و حقوقدانان درباره محدودیت‌های امروز این نهاد گفت‌وگو کردیم.

تعقیب وکیل به دلیل دفاع از متهم

صالح نیکبخت، حقوقدان و وکیل دادگستری از جمله وکلایی است که در دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر به تحمل یکسال حبس محکوم شد و در جرگه وکلای در معرض خطر قرار دارد. او درباره اینکه چرا در سال‌های اخیر موضوع وکلای در معرض خطر در ایران پررنگ شده، به هم‌میهن می‌گوید: «از سال ۱۳۷۶ که دولت اصلاحات بر سر کار آمد و بر اجرای قانون تأکید شد، وکلا وارد عرصه دفاع از حقوق زندانیان سیاسی، فعالان مدنی و روزنامه‌نگاران شدند. ورود وکلا به این عرصه، بازخواست آنها توسط برخی نهادها را به دنبال داشت. در این مواخذه‌ها عنوان می‌شد، وکلا خارج از حیطه فعالیت حقوقی و حرفه‌ای خود عمل کرده‌اند. در سال‌های اخیر، شمار زیادی از وکلای این گروه از متهمان، تحت تعقیب مراجع قضایی قرار گرفته‌اند و با اتهامات گوناگون به تحمل زندان و مجازات‌های تبعی و تکمیلی محکوم شدند. برخی از وکلای نیز به دلیل اظهارات حقوقی یا انتقاد از نحوه رسیدگی در محاکم تحت فشار قرار گرفتند و بر برخی نهادها و مراجع قضایی درخواست کردند که این وکلا از شغل خود

گزارش حقوقی

حرفه‌ای خود دارای وظیفه‌ای اجتماعی درباره حوادثی است که در کشور رخ می‌دهد. به‌ویژه اتفاقاتی که وکیل به درست یا نادرست تشخیص می‌دهد، می‌تواند مصداق نقض حقوق شهروندی باشد و نسبت به اعلام این موضوع براساس رسالت اجتماعی خود اقدام کند. باین حال تاکنون بسیاری از وکلا به‌همین دلایل احضار شده و مورد بازجویی قرار گرفته‌اند، هر چند مقامات مربوطه این نوع برخوردها را انکار می‌کنند.»

احضار وکلا به دلیل انتقاد

اوبا اشاره به اینکه ده‌ها وکیل از اسفندماه سال گذشته تاکنون صرف بازرگاری پست‌ها و استوری‌های انتقادی به دادسرای امنیت فراخوانده شده‌اند، می‌گوید: «فارغ از درست یا اشتباه بودن اظهارنظرها اما بیشتر وکلای تحت تعقیب ناچار شده‌اند در فرم تعهدی که از قبل تهیه شده و در شأن وکیل و قوه قضائیه نبود، تعهداتی را امضاء کنند. مثلاً در برخی از فرم‌ها آمده «تعهد می‌دهم با اجانب ارتباط نداشته باشم.» برای بسیاری از وکلا هم به‌واسطه غفوره‌بری کیفرخواست صادر نشد. همین میزان احتضار، باعث می‌شود برخی وکلا در چالش‌های اجتماعی ترجیح دهند سکوت کنند که این موضوع نه به نفع مردم است، نه به نفع نظام سیاسی کشور.» این وکیل دادگستری با اشاره به وکلای محبوس یا در حال محاکمه می‌گوید: «امیرسالار داوودی وکیل دادگستری، در حال حاضر پنجمین سال حبس خود را پشت سر می‌گذارد. محمدجعفی، وکیل اهل اراک، آرش کیخسروی، خسروعلیکردی وکیل مشهدی نیز از دیگر وکلایی است که به‌تازگی محبوس شده است، او وکالت پرونده یکی از جان‌باختگان معترض در اعتراضات سال گذشته را برعهده داشت. محمدرضا کارگر پیشه وکیل اهل کرج نیز به‌تازگی زندانی شده است. این وکیل هم وکالت بسیاری از پرونده‌های سیاسی را برعهده داشت. محمد صالح نیکبخت (وکیل پرونده مهسا امینی) سیدمحمد رضا فقیهی، سیدمهدی کریمی فارسی، سیدصادق مصطفوی کاشانی و بنده هم دارای پرونده‌های اتهامی بوده و محاکمه شده ایم.» به گفته نصراللهی، محاکمه وکلا یا هر یک از شهروندان صرف یک اظهارنظر فارغ از درست یا اشتباه بودن آن، کاملاً نادرست است. او نبود یک قوه حسابگر و خردمند را عامل اصلی این‌گونه برخوردها با وکلای دادگستری می‌داند: «به عقیده من هر قدر هم که این برخوردها مورد بررسی قرار گیرند، نمی‌توانیم منطقی برای آنها بیابیم. این برخوردها نه برای یک ساختار سیاسی کاملاً دموکراتیک و معتقد به آزادی بیان قابل پذیرش است، نه برای جامعه‌ای که دچار حکمرانی شایسته است. وکلا و سایر شهروندان باید از حق آزادی اظهارنظر برخوردار باشند.»

استقلال نهاد وکالت؟

«استقلال نهاد وکالت مخدوش شده، ما وکلا امروز برای بقای استقلال وکیل و نهاد وکالت مستقل می‌جنگیم.» این نکته مهمی است که سیدسعیدپرو، وکیل دادگستری و فعال صنفی به هم‌میهن می‌گوید. او درباره احترام به استقلال تاریخی و قانونی وکیل و کانون‌های وکلای دادگستری از سوی مقامات قضایی و ساختار سیاسی، می‌گوید: «در تمام جوامع بشری استقلال مقام دفاع که همان وکلای دادگستری هستند، یک رکن است، اما در کشور ما این موضوع تبدیل به شعار شده و با تهدیدهایی که به‌ویژه در سال‌های اخیر نسبت به این نهاد صورت گرفته، عملاً تنها پوسته‌ای از استقلال نهاد وکالت در کشور باقی مانده است.» براساس اعلام این وکیل دادگستری، استقلال نهاد وکالت به معنی فراقلمیتی بودن آن و جدا کردن این نهاد از ملت و حاکمیت نیست. این نهاد در ساختار، شبیه ناظری برای اجرای درست قوانین است. استقلال نهاد وکالت به این معناست که فشار اربابان ثروت، قدرت و رابطه نتواند بر انجام وظیفه وکلا تأثیر بگذارد و از استقرار عدالت جلوگیری کند. استقلال وکیل و نهاد وکالت، وابسته و پیوسته به یکدیگرند، اما استقلال نهاد وکالت امروز رعایت نمی‌شود. این نهاد، یک نهاد مدنی خودانتظام است و اگر این خودانتظامی در چارچوب قانون و توسط وکلای دادگستری انجام نشود و قوه قضائیه در این خودانتظامی مداخله کند، به اعمال فشار بیرونی به وکلا منجر می‌شود. این موضوع می‌تواند بر عملکرد وکلا در انجام وظایف خود تأثیری منفی بگذارد. او ادامه می‌دهد: «از طرف دیگر امروز به‌جز دستگاه قضایی و مجلس، نهادهای دولتی بسیاری مانند شورای رقابت و وزارت اقتصاد... نیز به مسئله آزمون وکالت، صدور و ابطال پروانه و تعقیب وکلای دادگستری در چارچوبی ظاهراً قانونی ورود می‌کنند. این برخورد به خودانتظامی کانون‌های دادگستری خدشه وارد می‌کند و نتیجه نهایی آن نیز فشار بیرونی بر وکلای مستقل است. وجود قانونی درباره مصونیت وکلا در مقام دفاع نیز مسئله دیگری است که با وجود ضرورت، اما در کشور ما پیش‌بینی نشده است.» سید سعیدپرو، بزرگ‌ترین ضربه جدی به استقلال نهاد وکالت را تصویب قانون «کیفیت اخذ پروانه» در سال ۱۳۷۶ می‌داند: «براساس ماده‌ای از این قانون، احراز صلاحیت داوطلبان عضویت در هیئت‌های مدیره کانون‌های وکلا برای حضور در انتخابات مربوطه، به دادگاه عالی انتظامی قضات واگذار شد. همچنین اخذ پروانه توسط قضات بازنشسته پس از طی دوران کاری خود قانونی شد. نکته مهم‌تر آن که در این روند برخلاف قوانین و اصول حاکم، دلایل احراز صلاحیت یا احراز نشدن صلاحیت داوطلبان در دادنامه صادر شده توسط دادگاه انتظامی قضات ذکر نمی‌شود.» به گفته او، این روند باعث شد، طی این سال‌ها بسیاری از افرادی که می‌توانستند مدیرانی موفق و صالح برای کانون‌ها باشند به دلیل احراز نشدن صلاحیت نتوانند یا به عرصه انتخابات بگذارند این

ادامه سر مقاله

همه اینها منجر شده که هنوز هم دیندارترین اقشار جامعه همان جوانان پیش از انقلاب باشند؛ یعنی کسانی که به اصطلاح استخوان‌بندی دینی آنان پیش از انقلاب درست شکل گرفته بود. جوانان امروز به‌ویژه جوانان متولد دهه ۸۰ و ۹۰ به کلی فراموش شدند و استخوان‌بندی فرهنگی و رفتاری آنان به گونه دیگری شکل گرفت و دیگر نه امکان تغییر دارند و نه در ادامه خواهید داشت. بعلاوه مفاهیم عمیق چیست که منتقل نشده؟ مهم‌ترین مفهوم روز که می‌توان از اسلام گرفت، عدالت است که سرنوشت آن را در همین انتخابات پیش رو باسربلست‌های انتخاباتی می‌توان دید.

مسئله اصلی این است که آقایان قادر به بازسازی این نهاد رو به افول نیستند؛ چون به‌شدت سرگرم قدرت هستند و فرصتی برای امور دیگر پیدا نمی‌کنند و در این کار جدید نیز فاقد موفقیت هستند. ازسوی دیگر، انحصار رسانه‌ای آنان نیز از میان رفته است و از نظر تبلیغی نیز دچار افول شدیدی شده‌اند و هر چه تبلیغ می‌کنند، به در بسته می‌خورند. در نتیجه آنچه را که فکر می‌کنند در مان است، همان درد آنان است. یعنی توسل بیش از اندازه به سیاست و قدرت، عامل و علت این بیماری و نابسامانی است، ولی برای حل این مشکلات بیش از پیش به آن توسل می‌شوند که در بخش پایانی سخنان ایشان نیز مشهود است، و همچنان دین را فدای سیاست می‌کنند و انتظار دارند مردم و جوانان نیز استخوان‌بندی قوی دینی پیداکنند.